

نقش نهادها در شکل دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان

دکتر سعید عیسی زاده* و جهانبخش مهرانفر**

تاریخ دریافت: ۱۴ دی ۱۳۸۹

تاریخ پذیرش: ۲۶ مرداد ۱۳۹۰

امروزه، کارآفرینی یکی از مهم ترین عوامل پیش برنده رشد اقتصادی به شمار می رود. از سوی دیگر، نقش نهادها و عوامل نهادی در تعیین سطح کارآفرینی و عملکرد آن، نقشی انکارناپذیر است. هدف از این پژوهش، بررسی نقش نهادها و عوامل نهادی در شکل دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان است. بدین منظور، از پنج شاخص آزادی اقتصادی به عنوان عوامل نهادی و از نرخ خوداشتغالی به عنوان شاخص کارآفرینی استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی به روش داده های تابلویی^۱ در دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۰ حاکی از آن است که اندازه کوچک دولت، ساختار بهتر قانون و حمایت از حقوق مالکیت افراد، باعث افزایش خوداشتغالی می شوند. نتایج مطالعه نشان دادند که آزادی تجاری و بوروکراسی پایین در بازار اعتباری، بازار کار و فضای کسب و کار اثری منفی بر نرخ خوداشتغالی دارند.

طبقه بندی JEL: B52, O39, D02, L26, C33

کلیدواژه ها: کارآفرینی، خوداشتغالی، نهادها، شاخص های آزادی اقتصادی.

۱. مقدمه

امروزه از کارآفرینی به عنوان موتور توسعه اقتصادی یاد می شود، زیرا می تواند در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی داشته باشد. همین امر باعث شده است که در دهه های اخیر، کارآفرینی به عنوان مهم ترین مسأله در زمینه اشتغال زایی و ایجاد کسب و کار در کشورهای توسعه یافته

* عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده اقتصاد، پست الکترونیکی: saeed_isazadeh@yahoo.com

** کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه بوعلی سینا، پست الکترونیکی: j_mehran2000@yahoo.com

و در حال توسعه مطرح شود. در عین حال، شواهد نشان می‌دهند که کارآفرینی در بعضی از این کشورها از رشد بالایی برخوردار است و در بعضی دیگر، رشد پایینی دارد. علاوه بر آن، سطح فعالیت‌های کارآفرینی کشورها در طول زمان نیز متفاوت است. این در حالی بوده که محققان معتقدند، توانایی‌های افراد در زمینه کارآفرینی، در بین کشورهای مختلف، متفاوت نیست. کارآفرینی مجموعه‌ای از تلاش‌ها و تجارب بشری در ایجاد یا کشف فرصت‌ها و اجرایی کردن آنهاست. بنابراین، از آنجا که کارآفرینی ماحصل سعی و تلاش انسان‌هاست، انتظار بر این است که در سراسر جهان به‌طور یکنواخت توسعه یابد. با وجود این، برحسب توسعه اقتصادی کشورها، تفاوت‌های قابل توجه بین‌المللی در زمینه کارآفرینی وجود دارد. از این رو، به نظر می‌رسد، برای توضیح و تبیین این تفاوت‌ها بررسی شرایط اثرگذار بر آن در سطح ملی نسبت به سطح فردی ضروری‌تر و مفیدتر باشد. پس، برای پی بردن به علل تفاوت‌های بین‌کشوری در سطح کارآفرینی، باید شرایطی که نقش تعیین‌کننده‌ای در تأسیس و فعالیت بنگاه‌ها و شرکت‌ها در سطح کشورها دارند، مورد بررسی قرار گیرند.

کارآفرینان عواملی هستند در سطح اقتصاد خرد که نهادهای ملی را به عملکردهای اقتصادی در سطح کلان ربط می‌دهند، زیرا، کارآفرینان در رأس تأسیس و اداره شرکت‌ها قرار دارند و نهادها نیز تعیین‌کننده یک ساختار مبادلاتی هستند که بر هزینه‌های معاملات و نقل و انتقالات تأثیرگذار است و بدین طریق امکان اجرا و سودآوری یک فعالیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع، این همان سازوکاری است که به واسطه آن، نهادها، تعیین‌کننده‌های اساسی کارایی اقتصادی در بلندمدت تلقی می‌شوند. از این رو، سعی داریم چگونگی نفوذ نهادهای ملی بر شرکت‌ها و به عبارتی بهتر، تأثیر ترتیبات نهادی بر فعالیت‌های کارآفرینی را مورد بحث قرار دهیم. برای این منظور، ابتدا به بیان ادبیات موضوع و چهارچوب نظری مربوط به بحث کارآفرینی و نهادها و سپس، به معرفی متغیرها و ارایه مدل اقتصادسنجی می‌پردازیم. بخش بعدی، به برآورد مدل و تحلیل یافته‌ها اختصاص دارد. در نهایت، خلاصه و نتیجه‌گیری ارایه می‌شود.

۲- کارآفرینی با دید نهادی

کارآفرینی یک مفهوم چند بعدی است^۱. در سطح کلان، کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان مجموع تصمیمات فردی کارآفرینان درباره سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز تلقی شود. براساس این نظریه، می‌توان کارآفرینان را به صورت فردی و مجزا در نظر گرفت و مجموع فعالیت‌های آنها را به‌عنوان شاخصی برای نشان دادن سطح کل فعالیت‌های کارآفرینی به کار برد^۲.

مک کللند^۳ ۱۹۶۱، در کتاب خود بیان می‌کند که سطح کارآفرینی در یک کشور به ویژگی‌های روان‌شناسانه افراد بستگی دارد. در این مضمون، وی عقیده‌اش بر این است که مجموع ویژگی‌های کارآفرینانه افراد تعیین‌کننده سطح کارآفرینی و در نهایت، رشد اقتصادی است، این دیدگاه فردی و روان‌شناسانه به سبب محدودیت آن مورد انتقاد قرار گرفت^۴. همان‌طور که نایت^۵ معتقد است، ما نمی‌توانیم بدون احتساب زمینه‌های نهادی و فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های روزانه افراد، در مورد عقلانیت اعمال آنها قضاوت کنیم. یک چالش جدی این است که عمل کارآفرینی در داخل یک جامعه بوده و فرآیند فعالیت‌های کارآفرینانه توسط آن جامعه شکل می‌گیرد (Anderson, Smith 2002, Anderson, Miller 2003). چالش جدی‌تر و مهم‌تر این است که اگر چه کارآفرینان عاملان تغییر هستند، ما نمی‌توانیم از ساختار چشم‌پوشی کنیم. همان‌طور که گاکلیاردی^۶ می‌گوید، در تمام فعالیت‌های اقتصادی که ما به‌عنوان عاملان اقتصادی عمل می‌کنیم، توسط نهادها تحت تأثیر قرار می‌گیریم. از آنجا که نهادها شکل‌دهنده ساختارند و در واقع، ساختار و نهادها در قالب یک رابطه پویا عمل می‌کنند، ساختار می‌تواند بر فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذار باشد و تفاوت در سطح کارآفرینی را توضیح دهد^۷. براساس این نظریه، لافونته و ویلنت^۸ (۲۰۰۷)، اظهار داشتند که برای مطالعه کارآفرینی یک چهارچوب تئوریک برپایه دیدگاه اجتماعی- فرهنگی می‌تواند نسبت به دیدگاه‌های اقتصادی و روان‌شناسی معمول، مناسب‌تر باشد.

1- Verheul et al, 2002.

2- Davidsson, 1995.

3- Mcclelland

4- El Harbi, Anderson, 2010.

5- Knight

6- Gagliardi

7- Jack, Anderson, 2002.

8- Lafuente and Vaillant

یکی از معمول‌ترین مفاهیم اقتصادی کارآفرینی مربوط به دیدگاه کرزنر^۱ است. در این دیدگاه، کارآفرینی فرآیند شناسایی فرصت‌هاست. از نظر کرزنر، کارآفرین کسی است که فرصت‌های جدید سودآور در بازار ایجاد کند.^۲ در بین سایر مفاهیم اقتصادی کارآفرینی، مفهوم ارایه شده توسط شومپتر^۳ از اهمیت بالایی برخوردار است. وی، کارآفرینی را موتور توسعه اقتصادی معرفی می‌کند و معتقد است که کارآفرینی، مجموعه ابداعات و نوآوری‌هایی است که به اقتصاد، انرژی جدیدی برای رشد و موفقیت تزریق می‌کند. در نظر شومپتر، نقش کارآفرین، تخصیص مجدد منابع با برهم زدن تعادل‌های موجود است. شومپتر، این فرآیند را که از طریق معرفی نوآوری‌های کارآفرینانه صورت می‌گیرد، تخریب خلاق^۴ می‌نامد. وی نوآوری‌های کارآفرینانه را

را مشتمل بر پنج مورد می‌داند:

- ۱- معرفی یک کالای جدید.
- ۲- معرفی یک روش تولیدی جدید.
- ۳- افتتاح و گشایش یک بازار جدید.
- ۴- ایجاد یک منبع جدید برای عرضه مواد اولیه یا کالاهای نیمه‌ساخته.^۵
- ۵- ایجاد سازماندهی جدید در بخش‌های مختلف صنعت.

بامول^۶، از دیگر اقتصاددانان صاحب‌نظر در زمینه کارآفرینی است. وی اعتقاد دارد، با اینکه کشورهای مختلف در عرضه فعالیت‌های کارآفرینانه متفاوت هستند، اما بزرگ‌ترین تفاوت به سهم کارآفرینی در فعالیت‌های مولد یا غیرمولد بازمی‌گردد. بامول، ما را برای شناسایی قوانین یک بازی که نهاد‌های کارآفرینی نامیده می‌شوند، آگاه می‌سازد. او می‌گوید: اگر شرایط موجود مناسب باشند، کارآفرینی باعث ایجاد ثروت خواهد شد، اما اگر شرایط مناسبی بر جامعه حاکم نباشد، کارآفرینان در خلق ثروت با شکست مواجه خواهند شد، زیرا در این حالت، فعالیت‌های آنها می‌تواند به سمت فعالیت‌های غیرمولد و حتی مخرب حرکت کند. نکته مهم نگرش بامول در این است که کارآفرینی می‌تواند در اشکال مختلف نمایان شود که بعضی از آنها ممکن است در

1- Kirzner

2- Kirzner, 1973.

3- Schumpeter

4- Creative Destruction

5- Part Manufactured Goods

6- Baumol

نقش نهادها در شکل‌دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان ۲۰۳

حالت کلی کاملاً نامناسب و نامطلوب باشند. از نظر وی، با اینکه جامعه می‌تواند منابع و انگیزه‌های توسعه فعالیت‌های کارآفرینی را فراهم کند، اما اگر شرایط نامناسبی بر جامعه حاکم باشد، کارآفرینان این منابع را برای منافع شخصی خویش و به بهای از دست دادن رشد اقتصادی به کار خواهند گرفت. بامول معتقد است، تلاش‌ها و فعالیت‌های افراد کارآفرین براساس کیفیت نهادها، اقتصادی، سیاسی و قانونی حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد. در واقع، این ساختار نهادی است که تعیین می‌کند تلاش‌های کارآفرینانه در جهت فعالیت‌های مولد است یا غیرمولد^۱. نهادهای مناسب با فراهم آوردن حقوق مالکیت، ایجاد سیستم قضایی عدالت‌محور، اجرای قراردادهای و ایجاد محدودیت‌های قانونی مؤثر، باعث کاهش سودآوری فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند و موجبات حرکت افراد را به سمت فعالیت‌های مولد که منشأ اساسی رشد اقتصادی و خلق ثروت هستند، فراهم می‌کنند^۲. در این نگرش، تصمیم به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، به نرخ سود یا بازده فعالیت‌ها که کیفیت نهادها، سیاسی و قانونی عوامل تعیین‌کننده آن هستند، بستگی دارد.

لوک و مینیتی^۳ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که اقتصادهای نهادی نوین، به ارتباط بین نهادها و سازمان‌ها که نخستین بار توسط نورث^۴ بیان شد، ماهیت جسمانی می‌بخشند. آنها نیز مانند بامول، معتقدند با حضور کارآفرینان در همه جوامع، این تفاوت در ساختارهای نهادی است که تفاوت‌های عظیمی را در استانداردهای زندگی در بین جوامع مختلف به وجود می‌آورد.

۳- پیشنهاد تحقیق

در خصوص بررسی نقش عوامل نهادی بر فعالیت‌های کارآفرینی مطالعات تجربی اندکی صورت گرفته است. در ادامه، تنها مطالعات صورت گرفته در این زمینه را به‌طور خلاصه مرور می‌کنیم.

روتا آیدیس^۵ و همکاران (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نهادها و توسعه کارآفرینی در روسیه»، یک دیدگاه مقایسه‌ای را برای بررسی چگونگی نفوذ نهادها در توسعه کارآفرینی به کار بردند. آنها که از داده‌های آماری GEM^۶ برای مطالعه اثرات نهادها، ضعیف بر کارآفرینی در روسیه

۱- نظریه بامول با ظهور اندیشه‌های سوبل (Sobel, 2008) که ادعا می‌کند کارآفرینی مولد، بنیان رشد اقتصادی و خلق ثروت است، اهمیت ویژه‌ای یافته است.

2. Sobel, 2008.

3- Leveque and Minniti

4- North

5- Ruta Aidis

6- Global Entrepreneurship Monitor

استفاده کردند، ابتدا آن را با کشورهای موجود در نمونه‌های GEM و سپس در جزییات بیشتری با کشورهای برزیل و لهستان مقایسه کردند. نتایج نشان دادند که محیط نهادی روسیه در تبیین سطح نسبتاً پایین توسعه کارآفرینی اهمیت بسزایی دارد. آنها بیان کردند که در بین عوامل نهادی، فضای کسب و کار نقش ویژه‌ای دارد.

روسل سوبل^۱ (۲۰۰۸)، در مطالعه خود با عنوان «آزمون نظریه بامول: کیفیت نهادها و بهره‌وری کارآفرینی»، نظریه کارآفرینی مولد و غیرمولد بامول را که یکی از مهم‌ترین ادبیات مطرح شده کارآفرینی با دید اقتصادی است، به‌طور تجربی مورد آزمون قرار داد. وی در این مطالعه، نظریه بامول را مبنی بر اینکه افراد کارآفرین بسته به نهادهای اقتصادی، سیاسی و قانونی حاکم بر جامعه تلاش‌های خود را در مسیرهای مختلفی به پیش می‌برند، مورد تأیید قرار داد. وی که به بررسی ارتباط بین کیفیت نهادهای قانونی و سیاسی آمریکا و کارآفرینی مولد و غیرمولد پرداخت، به این نتیجه رسید که ساختار نهادی مناسب، سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز، ثبت اختراع و نرخ تأسیس بنگاه را رشد می‌دهد و در نتیجه، با بالا بردن سطح کارآفرینی، نرخ بالای رشد اقتصادی را فراهم می‌کند.

روبرتو تورینی^۲ (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای با عنوان «تفاوت‌های بین کشوری در نرخ خوداشتغالی: نقش نهادها»، به بررسی نقش متغیرهای نهادی در تبیین شکاف بزرگ مشاهده شده در نرخ خوداشتغالی کشورهای عضو OECD می‌پردازد. مدل مطرح شده در این مطالعه به تجزیه و تحلیل نقش وضع مالیات و فرصت‌های فرار مالیاتی اختصاص دارد. در این مدل، براساس مبانی نظری مربوط انتظار بر این است که فرصت‌های فرار از مالیات اثر مثبتی بر نرخ خوداشتغالی داشته باشد. در حالی که، وضع مالیات می‌تواند بسته به رفتار کشور در ارتباط با عدم پرداخت مالیات، خوداشتغالی را کاهش یا افزایش دهد. این تحلیل تیوریکی براساس نتایج مطالعه صورت گرفته برای کشورهای عضو OECD، از یک حمایت تجربی ارزشمند برخوردار شد. در ضمن، نتیجه مطالعه تورینی حاکی از آن بود که نرخ خوداشتغالی با مشارکت کارگران در بخش عمومی رابطه عکس دارد. وی، به یک رابطه مثبت بین قوانین بازار تولید و نرخ خوداشتغالی دست یافت، اما رابطه بین بیمه بیکاری و نرخ خوداشتغالی منفی بود. یادآوری می‌شود که وی در یافتن ارتباط قوی بین نرخ خوداشتغالی و قوانین حمایتی اشتغال با شکست مواجه شد.

1- Russell S. Sobel

2- Roberto Torrini

نقش نهادها در شکل‌دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان ۲۰۵

دیگر مطالعه انجام شده در این زمینه که باز به کشورهای عضو OECD اختصاص دارد و به بررسی تأثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی می‌پردازد، مطالعه ال‌هربی و اندرسن^۱ است. آنها در این مطالعه که به روش داده‌های تابلویی^۲ و برای دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵ انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که آزادی کسب‌وکار و آزادی از فساد اثر منفی و آزادی سرمایه‌گذاری اثر مثبتی بر نرخ خود اشتغالی دارند.

۴- معرفی متغیرها و ارایه مدل

کارآفرینی به‌طور معمول از دو جنبه «دارا بودن کسب‌وکار» و «ابتکارات» مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه بیشتر مطالعات صورت گرفته جنبه برخورداری از کسب‌وکار را در نظر گرفته و از نرخ خوداشتغالی به‌عنوان شاخصی برای فعالیت‌های کارآفرینی یک کشور استفاده کرده‌اند^۳، ما نیز برای نشان دادن میزان فعالیت‌های کارآفرینی از این شاخص استفاده می‌کنیم. یادآوری می‌شود، داده‌های آماری این متغیر از آخرین گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سال ۲۰۱۰ استخراج شده است.

عوامل نهادی زیادی می‌توانند کارآفرینی را تحت تأثیر قرار دهند. اندازه دولت، میزان بوروکراسی، فضای مالیاتی، حمایت از حقوق مالکیت، سرمایه اجتماعی، قوانین رقابتی، آزادی سیاسی، قوانین کار، امنیت اجتماعی، قوانین ورشکستگی، فساد، جرم و دسترسی به سرمایه مالی از آن جمله‌اند. ما در این مطالعه عواملی را که با اندیشه آزادی اقتصادی مرتبط هستند به‌عنوان عوامل نهادی اثرگذار بر سطح کارآفرینی انتخاب می‌کنیم. آزادی اقتصادی حق اساسی و بنیادی هر انسانی برای کنترل مقدار کار و دارایی خویش است. در یک جامعه با آزادی اقتصادی، افراد برای کار کردن، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری به روش‌های دلخواه خود آزاد هستند. در نتیجه، بنیان آزادی اقتصادی، انتخاب شخصی، مبادله اختیاری و بازارهای باز بوده و بالاترین شاخص آزادی اقتصادی، تحقق کامل حقوق مالکیت و آزادی کامل برای تحرک نیروی کار، سرمایه، کالاها و خدمات و نیز نبود اجبار و محدودیت‌های دولتی، برای حفظ و حمایت از آزادی و اختیار عمل شهروندان است.

1- El Harbi and Anderson

2- Panel data

۳- در گزارش OECD در سال ۲۰۰۱، کارآفرینی معادل خوداشتغالی در نظر گرفته شده است.

برای بررسی تأثیر شاخص‌های پنج‌گانه آزادی اقتصادی بر رفتار کارآفرینی، نمونه‌ای متشکل از ۶۰ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در نظر گرفته شده و الگوی اقتصادسنجی زیر به کار برده شده است:

$$SE_{it} = \beta_0 + \beta_1 SG_{it} + \beta_2 SL_{it} + \beta_3 SM_{it} + \beta_4 TI_{it} + \beta_5 RC_{it} + U_{it}$$

در این الگو:

SE = نرخ خود اشتغالی

SG = اندازه دولت

SL = ساختار قانونی و حمایت از حقوق مالکیت

SM = دسترسی به پول پر قدرت

TI = آزادی تجاری

RC = مقررات بازار اعتباری، بازار کار و فضای کسب و کار

U = جمله اختلال مدل رگرسیون است.

در این مدل، نرخ خوداشتغالی که متغیر وابسته بوده، شاخص کارآفرینی در نظر گرفته شده است. پنج متغیر دیگر که به عنوان متغیرهای مستقل در مدل وارد شده‌اند، شاخص‌های آزادی اقتصادی هستند که هر یک زیرشاخص‌های متعددی دارند. در گزارش جهانی آزادی اقتصادی برای هر یک از این شاخص‌ها نمره‌ای بین صفر و ده ارائه می‌شود، به طوری که عدد ده بالاترین درجه آزادی و عدد صفر پایین‌ترین درجه آزادی را نشان می‌دهد.

دوره زمانی این پژوهش سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۰ است. از آنجا که داده‌های مربوط به متغیر نرخ خوداشتغالی به صورت دوره‌های پنج‌ساله گزارش شده است، از این رو، مشاهدات مورد استفاده در این پژوهش را به صورت چهار دوره پنج‌ساله در نظر گرفته‌ایم.

۵- برآورد مدل و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پیش از تخمین مدل باید مشخص کنیم که آیا عرض از مبدأ مدل برای مقاطع مختلف یکسان است یا متفاوت؟ در صورتی که مقاطع دارای عرض از مبدأ واحد باشند به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات تجمیع شده استفاده کرد و در غیر این صورت ضرورت استفاده از روش داده‌های تابلویی احراز می‌شود. به لحاظ آماری، این قضیه با استفاده از آزمون F مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این مطالعه با توجه به اینکه آماره F محاسبه شده (۶/۷۶) از F بحرانی جدول

نقش نهادها در شکل‌دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان ۲۰۷

بهمراتب بزرگ‌تر است؛ بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر مساوی بودن عرض از مبدأ همه کشورهای رد می‌شود. با توجه به اینکه کشورهای مورد بررسی در این مطالعه ترکیبی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و ناهمگن هستند، نتیجه آزمون F به لحاظ نظری نیز پذیرفته می‌شود. باید در گام بعدی به انتخاب روش برآورد داده‌های تابلویی که به دو صورت روش اثرات ثابت^۱ و روش اثرات تصادفی^۲ برآورد می‌شود، پردازیم. برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب بین دو روش یادشده باید توجه داشت که روش اثرات ثابت به‌طور معمول هنگامی کارایی دارد که کل جامعه آماری در نظر گرفته شود؛ در صورتی که از کل جامعه بزرگی نمونه‌ای به صورت تصادفی انتخاب شود، روش اثرات تصادفی کارتر خواهد بود. برای تعیین روش برآورد در داده‌های تابلویی از آماره هاسمن استفاده می‌کنیم که رد فرضیه صفر بیان‌کننده استفاده از روش اثرات ثابت است. برای این منظور آزمون هاسمن را انجام دادیم که نتایج آن (جدول شماره ۱)، انتخاب روش اثرات تصادفی را نشان می‌دهد و با مفهوم نظری این روش نیز مطابقت دارد، زیرا نمونه‌ای تصادفی از کل کشورهای جهان به‌عنوان نمونه آماری مطالعه انتخاب شده است.

جدول شماره ۲، نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات تصادفی را نشان می‌دهد.

جدول ۱- نتایج حاصل از آزمون هاسمن

آماره هاسمن	آماره کای-دوی جدول	احتمال	نتیجه آزمون
۱.۶۲	۱۱.۰۷	۰.۹	انتخاب روش اثرات تصادفی

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۲- نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات تصادفی

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال مربوط	آماره‌های مهم
C	۴۵.۷۲*	۸.۴۱	۰.۰۰۰	$37.68F =$ $0.82R^2 =$ $1/86D.W =$
SG	۳.۱۱*	۵.۵۶	۰.۰۰۰	
SL	۳.۳۱*	۶.۲۹	۰.۰۰۰	
SM	۰.۳۱	۰.۵۸	۰.۵۶	
TI	-۲.۱۸*	-۲.۵۹	۰.۰۱	
RC	-۱.۰۵*	-۴.۵۷	۰.۰۰۰	

C: عرض از مبدأ.

*: معناداری در سطح ۱٪.

مأخذ: محاسبات تحقیق.

- 1- Fixed Effect
2- Random Effect

چنانچه ملاحظه می‌شود، غیر از متغیر دسترسی به پول پر قدرت همه متغیرها با اطمینان بالای ۹۹ درصد معنادار هستند. معناداری کل مدل با توجه به آماره F به دست آمده مورد تأیید قرار می‌گیرد. آماره ضریب تعیین بیان می‌کند که ۸۲ درصد تغییرات نرخ خوداشتغالی (سطح کارآفرینی) توسط عوامل نهادی یادشده توضیح داده می‌شود که بیان‌کننده قدرت برآزش بالای مدل است.

همان‌طور که از جدول نتایج پیداست، متغیر اندازه دولت و به عبارتی، آزادی از مداخلات دولت از جمله مخارج مصرفی دولت، یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی، سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکت‌های دولتی و نرخ بالای مالیات‌ها، اثر مثبتی بر افزایش کارآفرینی داشته است (نمره بالای متغیر اندازه دولت نشان‌دهنده دخالت کمتر دولت و آزادی بیشتر است). به عبارت دیگر، هرچه فضای اقتصادی به سمت سیستم رقابتی و اقتصاد بازار حرکت کرده، افزایش کارایی و سودآوری مشاغل آزاد و خصوصی از یک سو و کاهش اندازه دولت از سوی دیگر، باعث ترغیب بیشتر افراد به سمت خوداشتغالی شده است. با کاهش اندازه دولت، به‌طور طبیعی تقاضای دولت برای نیروی کار در مشاغل و پست‌های دولتی کاهش یافته است و نیروی کار آزاد شده از این طریق، به خوداشتغالی روی می‌آورند. در بخش‌های خدماتی از جمله آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، سطوح بالای فعالیت‌های دولتی، فرصت‌های شغلی پیش روی کارآفرینان بالقوه را کاهش می‌دهد. در ضمن، یکی از ویژگی‌های مهم اندازه بزرگ دولت داشتن سیستم گسترده تأمین اجتماعی است که این مسأله با تضمین برخورداری مردم از حداقل استانداردهای زندگی، انگیزه افراد برای خوداشتغالی را کاهش می‌دهد. باید توجه داشت که دولت بزرگ نیازمند تأمین مالی، به‌ویژه از طریق مالیات‌هاست. اخذ مالیات از محل درآمدهای دستمزدی یا غیردستمزدی بنگاه‌ها نیز افراد را از شروع فعالیت‌های کارآفرینانه دل‌سرد می‌کند.

شاخص مربوط به ساختار قانون و حمایت از حقوق مالکیت که نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادها و میزان استقلال قضایی، بی‌طرفی حاکمان در امر قضاوت و در کل عدالت‌محور بودن سیستم قضایی و حمایت از حقوق مالکیت را نشان می‌دهد، تأثیر مثبتی بر نرخ خوداشتغالی دارد. مطالعات نشان می‌دهند که حمایت از حقوق مالکیت اشخاص تأثیر بسزایی در خلق ثروت دارد.^۱ از این‌رو، ارتباط مثبت کیفیت قانون و سطح کارآفرینی کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

1- Berggren, 2003.

نقش نهادها در شکل‌دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان ۲۰۹

با توجه به نتایج به‌دست آمده، متغیر آزادی تجاری اثر منفی و معناداری بر نرخ خوداشتغالی داشته است. این متغیر با موانع تجاری سروکار دارد و افزایش آن به معنای آزادی تجاری بیشتر و کاهش موانع تعرف‌های و غیرتعرف‌های در خصوص تجارت است. به نظر می‌رسد، کاهش موانع تجاری با افزایش مرادوات اقتصادی بین‌المللی از نوع صادرات و واردات باعث تقاضای بیشتر برای نیروی کار، به‌ویژه در بخش صنعت شده و از انگیزه‌های افراد برای ایجاد شغل و گرایش به خوداشتغالی کاسته است. به عبارت دیگر، گسترش تجارت بین‌المللی، با ایجاد فرصت‌های شغلی تازه، افراد بیشتری از نیروی کار را جذب کرده است.

براساس نتایج به‌دست آمده، شاخص کیفیت مقررات که میزان آزادی از کنترل و مقررات دولت در بازار اعتباری، بازار کار و فضای کسب‌وکار را نشان می‌دهد، اثر منفی و معناداری بر نرخ خوداشتغالی دارد. این ارتباط منفی به این دلیل است که هر کجا بانک‌های خصوصی محدودیت کمتری برای فعالیت داشته و فضای رقابتی در بین بانک‌ها حاکم باشد، فشار دولت در زمینه حداقل دستمزدها و استخدام و اخراج کارکنان کمتر باشد و فضای کسب‌وکار نیز از درجه آزادی بالایی برخوردار باشد، فرصت‌های مناسب شغلی، به‌ویژه در بخش صنعت وجود دارد و تقاضا برای نیروی کار بالا است. در نتیجه، افراد که بیشتر علاقه‌مند به اشتغال در بخش دستمزدبگیری هستند جذب می‌شوند و ناگزیر به ایجاد خوداشتغالی نیستند. در ضمن، این نتیجه می‌تواند ناشی از این حقیقت باشد که درجه پایین آزادی بازار اعتباری و فضای کسب‌وکار منعکس‌کننده وجود یک دولت مرکزی است که بوروکراسی شدید و عمیق اداری در آن ریشه کرده است. این نوع مدل اقتصادی به‌طور عموم ناکارا بوده و ممکن است به تخصیص نادرست منابع منجر شود. در نتیجه، این اقتصادها با سطح بالای نرخ بیکاری مواجه‌اند. این امر باعث می‌شود که افراد گزینه‌های کمتری برای اشتغال داشته باشند و ناچار شوند به خوداشتغالی روی آورند. دلیل دیگر این امر ممکن است به مشکلات عدیده‌ای برگردد که افراد کارآفرین در حالت محدود بودن آزادی کسب‌وکار با آن روبه‌رو هستند. در چنین محیط‌هایی که فشار و اجبار وجود دارد، خوداشتغالی ممکن است به‌عنوان ابزاری برای کسب استقلال مورد استفاده قرار گیرد.

۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

امروزه، کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین روش ایجاد اشتغال و حل مسایل بیکاری، توسعه و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی در جامعه است، اما با توجه به درجه توسعه اقتصادی کشورها،

تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح کارآفرینی کشورها مشاهده می‌شود. در این پژوهش، برای تبیین این تفاوت‌ها، به بررسی نقش نهادها و عوامل نهادی در تعیین سطح کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان پرداخته شد. بدین منظور، با استناد به نگرش نایت که از جنبه دارا بودن کسب و کار به بررسی کارآفرینی می‌پردازد، از شاخص خوداشتغالی برای نشان دادن سطح فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای مختلف استفاده شد. شاخص‌های پنج‌گانه آزادی اقتصادی نیز به‌عنوان عوامل نهادی رسمی و رگسورهای مدل مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که آزادی از مداخلات دولت و در عین حال ساختار بهتر قانون و حمایت از حقوق مالکیت افراد، اثر مثبتی بر خوداشتغالی دارند، در حالی که آزادی تجاری و تنظیم سختگیرانه مقررات در بازار اعتباری، بازار کار و فضای کسب و کار اثری منفی بر خود اشتغالی دارند.

منابع

الف - فارسی

اشرف‌زاده، حمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل‌دیتا، مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، چاپ اول

ب - لاتین

- Aidis, Ruta & Estrin, Saul & Mickiewicz, Tomasz (2008), Institutions and Entrepreneurship Development in Russia: A Comparative Perspective, *Journal of Business Venturing*, vol. 23(6).
- Anderson, A.R., Smith, R (2007), The Moral Space in Entrepreneurship: an Exploration of Ethical Imperatives and the Moral Legitimacy of being Enterprising, *Entrepreneurship & Regional Development Journal*, vol. 19.
- Anderson, E.A.R., Miller, C.J (2003), Class Matters: Human and Social Capital in the Entrepreneurial Process, *Journal of Socio-Economics*, vol. 32.
- Anderson, A.R., Li, J.H., Harrison, R.T., Robson, P.J.A (2003), The Increasing Role of Small Business in the Chinese Economy, *Journal of Small Business Management*, vol. 41.
- Berggren, N (2003), The Benefits of Economic Freedom: A Survey, *The Independent Review*, Vol. 8(2).
- Bush, I.P.D (1994), The Pragmatic Instrumentalist Perspective on the Theory of Institutional Change. *Journal of Economic Issues*, vol. 28, (1994).

- Davidsson, P (1995), Culture, Structure and Regional Levels of Entrepreneurship, *Entrepreneurship and Regional Development Journal*, vol. 7.
- Djankov, S., Miguel, E., Qian, Y., Roland, G., Zhuravskaya, E. (2004), Who are Russia's Entrepreneurs, World Bank, Mimeo.
- El Harbi, Sana. Anderson Alistair R (2010), Institutions and the Shaping of Different Forms of Entrepreneurship, *Journal of Socio-Economics*, vol. 39.
- Gagliardi, F. (2008), Institutions and Economic Change: a Critical Survey of the New Institutional Approaches and Empirical Evidence. *The Journal of Socio-Economics*, vol. 37.
- Jack, S.L., Anderson, A.R. (2002), The Effects of Embeddedness on the Entrepreneurial Process, *Journal of Business Venturing*, vol. 17.
- Kirzner, I.M (1973), *Competition & Entrepreneurship*, (University of Chicago Press, Chicago).
- McClelland, D (1961), *The Achieving Society* (Free Press, New York).
- McMillan, J., Woodruff, C (1999), Dispute Prevention without Courts in Vietnam, *Journal of Law, Economics and Organization*, Oxford University Press, vol. 15.
- McMillan, J., Woodruff, C (2002), The Central Role of Entrepreneurs in Transition Economies, *Journal of Economic Perspectives*, vol. 16.
- North, D (1990), *Institutions Institutional Change and Economic Performance*, (Cambridge University Press, Cambridge,).
- Olson, M. (1972 or 1971), *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*, (Harvard University Press, Cambridge, Mass.
- Sobel, R.S. (2008) Testing Baumol: Institutional Quality and the Productivity of Entrepreneurship, *Journal of Business Venturing*, vol. 23.
- Torrini, Roberto (2005), Cross-country Differences in Self-employment Rates: the Role of Institutions, *Labour Economics Journal*, vol. 12.83
- Tran, T.B, Grafton, R.Q., Kompas, T (2009), Institutions Matter: the Case of Vietnam. *The Journal of Socio-Economics*, vol. 38.
- Verheul, I., Wennekers, A.R.M., Audretsch, D.B., Thurik, A.R, (2002) An Eclectic Theory of Entrepreneurship. In: Audretsch, D.B., Thurik, A.R., Verheul, I., Wennekers, A.R.M. (Eds.), *Entrepreneurship: Determinants and Policy in a European-US Comparison*. (Kluwer Academic Publishers, Boston/Dordrecht.

پیوست

جدول ۳- فهرست کشورهای مورد مطالعه

کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه
<p>نروژ، استرالیا، کانادا، ایرلند، سودان، فرانسه، ژاپن، فنلاند، آمریکا، اتریش، اسپانیا، دانمارک، بلژیک، ایتالیا، قطر نیوزلند، انگلیس، آلمان، سنگاپور، هنگ کنگ، یونان، کره جنوبی، کویت، پرتغال، چک، اسلواکی، مجارستان، سوئیس، لوکزامبورگ و قبرس</p>	<p>آرژانتین، بحرین، بنگلادش، برزیل، بلغارستان، چین، کلمبیا، مصر، هند، ایران، اردن، کنیا، لبنان، مالزی، شیلی، نپال، مکزیک، نیجریه، عمان، پاکستان، پرو، هلند، رومانی، روسیه، سری لانکا، آفریقای جنوبی، تایلند، سوریه، ترکیه، و ونزوئلا</p>